



Controlling corruption in the thought and political method of Imam Reza

Ruhollah Safarian¹ | Ali Shabazi²

Abstract

In the era of Imam Reza (a.s.) the administration and leadership of the governance system has moved away from its ideal form in the early periods of Islam, and inefficiency, imprudence and corruption are visible in the pillars of the Abbasid caliphate and in the social arena. In this situation, Imam Reza (a.s.) tried to deal with this situation in the period before the velayat-ahadi period and especially after it and during the Mamun period. The most important strategy that Imam Reza (a.s.) took in front of this situation is to explain and express the true nature of governance in the Islamic system, which according to its characteristics in various dimensions, while being efficient, corruption will also be reduced and controllable in the society. Therefore, the main question of this article is how corruption is controlled and eliminated in the thought and life of Imam Reza (a.s.)? The findings of this article, using Skinner's hermeneutic method and relying on documentary and library sources, show that Imam Reza (a.s.) paying attention to the political and social conditions of that period and interacting with various groups, they emphasize on the ideal Islamic governance that this type of governance has a monotheistic foundation and its government structure is in a way that has a hedonistic nature and purpose, with the people standing next to it, who play a role in the social sphere. According to him, this government with such a social structure and political nature and cultural and religious foundation, while being efficient, destroys the ground for any kind of corruption

Keywords: Imam Reza, Good governance, Corruption, Social structure, Political nature.

1. University of Esfahan

rooholla.safar@yahoo.com

2. Faculty of National Security, University and Institute of National Defense and Strategic Research, Tehran



کنترل فساد در اندیشه و سیره سیاسی امام رضا (ع)

روح‌الله صفریان گرمه‌خانی^۱ | علی شهبازی^۲

چکیده

در عصر امام رضا (ع) اداره امور و راهبری نظام حکمرانی از شکل آرمانی آن در دوره‌های اولیه اسلام دور شده است و ناکارآمدی، بی‌تدبیری و فساد در ارکان خلافت عباسی و عرصه اجتماعی نمایان است. امام رضا (ع) در این شرایط و در دوره قبل از ولایتعهدی و نیز به‌ویژه بعد از آن و در دوره مأمون سعی در مقابله با این وضعیت داشتند. مهم‌ترین راهبردی که امام رضا (ع) در مقابل این وضعیت در پیش گرفتند، تبیین و بیان ماهیت واقعی حکمرانی در نظام اسلامی است که با توجه به ویژگی‌های آن در ابعاد گوناگون ضمن کارآمدی، فساد نیز در جامعه کاهش و قابل کنترل خواهد بود. بنابراین سؤال اصلی این مقاله این است که در اندیشه و سیره امام رضا (ع) فساد چگونه کنترل و از بین می‌رود؟ یافته‌های این مقاله با استفاده از روش هرمنوتیک اسکینری و با تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای نشان می‌دهد که امام رضا (ع) با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی آن دوره و در تعامل با گروه‌های گوناگون بر حکمرانی مطلوب اسلامی تأکید دارند که این نوع حکمرانی دارای بنیانی توحیدی است و ساختار حکومتی آن به نحوی است که ماهیت و هدفی سعادت‌گرا دارد که در کنار آن مردم قرار دارند که در حوزه اجتماعی نقشی فعالانه دارد. از نظر ایشان این حکومت با چنین ساختار اجتماعی و ماهیت سیاسی و بنیانی فرهنگی و اعتقادی ضمن کارآمدی زمینه را برای هرگونه فساد از بین می‌برد.

کلید واژه‌ها: امام رضا (ع)، حکمرانی مطلوب، فساد، ساختار اجتماعی، ماهیت سیاسی.

۱. نویسنده مسئول: دانش آموخته دکتری علوم سیاسی دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

Rooholla.safar@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری رشته امنیت ملی، دانشکده امنیت ملی، دانشگاه پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران.

مقدمه

یکی از منازعات اصلی در اداره امور عمومی در مورد چگونگی و میزان نقش دولت جامعه است. در دوره‌های مختلف و با تغییر و تحول فکری و فنی از یک طرف و تجارب ناموفق جهانی در غالب شدن هر کدام از آنها از طرف دیگر، بالاخره موازنه سازی بین این دو دیدگاه مطرح می‌شود و چارچوب راهبری امور در قالبی اجتماعی و با نقش همه نیروهای اجتماعی شکل می‌گیرد. چنان‌که بر رویکردی تأکید می‌شود هم دولت کارآمد و راهبر و هم نهادهای فراگیر اجتماعی در ساختارش سازمان‌دهی شده است (عجم و رایبسون، ۱۳۹۲: ۱۲۲). بر مبنای این همراهی دولت و جامعه و نقش هم‌زمان آن‌ها در مدیریت امور، نهادهای بین‌المللی مقوله حکمرانی خوب را مطرح کردند. در چارچوب حکمرانی خوب با توجه به ماهیت سیاسی و اداری حکومت و ساختار اجتماعی زمینه برای هدایت صحیح اداره امور و کنترل انحرافات و نیز فساد در سطوح مختلف فراهم است.

در نظام حکمرانی مطلوب فرآیند تصمیم‌سازی در فضایی اجتماعی و ساختاری انجام می‌شود به عبارتی در شکل دادن به سیاست‌ها و راهبردهای کلی همه نیروها باهم مشارکت و تعامل ساختاری دارند (8: Guga, 2015). مشارکت اجتماعی از طریق شبکه‌ها و انجمن‌ها صورت می‌گیرد و محصول نظام حکمرانی جامعه همکار و دولت کارآمد است. بدین ترتیب اداره امور عمومی به صورت افقی و شراکتی است، یا به عبارتی تمام نیروهای اجتماعی با دولت همکار و همراه هستند و از طرف دیگر خود دولت نیز ماهیتی راهبردی، تسهیل‌گرایانه و تسریع‌کننده دارد که باعث می‌شود سیاست‌گذاری و مدیریت امور در مسیر منطقی و کنترل‌شده‌ای قرار بگیرد و زمینه را برای هرگونه انحراف و فساد از بین می‌رود (Elsenhans, 2001:35).

در اسلام و مشخصاً قرآن کریم هم به حکمرانی با لفظ حکم اشاره شده است و به کیفیت، ماهیت و حتی ساختار حکمرانی و ثقل آن (امامت و ولایت) می‌پردازد. در تعالیم قرآنی اشاره شده است؛ در نظام حکمرانی اسلامی آحاد جامعه در اداره امور نقش و مشارکت گسترده‌ای دارند. هدف اصلی این نظام حکمرانی قرار گرفتن انسان‌ها در مسیر کمال و سعادت است (سوره ص، آیه ۲۶؛ سوره آل عمران، آیه ۱۰۴). برقراری این نظام برای پیامبر اکرم (ص) و ائمه

اطهار حتی در دورانی که قدرت سیاسی در دست ندارند مهم‌ترین راهبرد است. البته با استقرار حکومت اسلامی، سازه‌های اجتماعی و سیاسی این حکمرانی بروز عینی و همه‌جانبه پیدا می‌کند (جمال‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۱). از این رو قرآن و دین اسلام رویکرد همه‌جانبه‌ای به فساد دارد و به ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی فساد می‌پردازد. با مراجعه به قرآن کریم درمی‌یابیم که ۵۰ مرتبه در ۴۷ آیه به فساد و مشتقات آن اشاره و از زشتی و آثار ویرانگر فساد، روش‌های مبارزه با آن، حرمت فساد و زمینه‌های به‌وجود آمدن آن و... سخن به میان آمده است. در این آیات نقش حکومت و سردمداران آن در بروز فساد بارز است و در کنار آن به عوامل اجتماعی و فرهنگی که در بروز فساد تأثیرگذار هستند نیز اشاره می‌شود (محمدی، ۱۴۰۰: ۶).

در دوره امام رضا (ع) و عصر خلافت عباسی جامعه اسلامی شرایط پیچیده‌ای داشت. از یک طرف اوج شکوفایی فلسفی و فکری بود و از طرفی دیگر انواع انحرافات و فساد در جامعه رسوخ کرده بود. امام رضا (ع) در چنین شرایطی به‌خصوص در دوره بعد از ولایتعهدی، برای ایجاد جامعه‌ای توحید محور و از بین بردن انواع فسادهای اجتماعی و تبیین حقانیت اسلام در عرصه اداره امور به ایجاد نوعی ساختار اجتماعی و سیاسی (حکمرانی) با تکیه بر مبانی اصیل اسلامی و سیره پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) تأکید دارند؛ بنابراین مسئله اصلی این تحقیق این است که راهبرد اصلی امام رضا (ع) برای مبارزه و کنترل فساد چگونه است؟ یافته‌های این مقاله با استفاده از روش هرمنوتیک اسکینری و با تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای نشان می‌دهد که راهبرد امام رضا (ع) در مبارزه و کنترل فساد همه‌جانبه و در تمام شئون اجتماعی است که این موضوع با پیش‌بینی نوعی حکمرانی مطلوب اسلامی تحقق می‌یابد که در ساختار آن حکومتی پیش‌بینی شده است که ماهیتی سعادت‌گرا دارد و مردمی که نقش فعال و همکار در عرصه اجتماعی دارند؛ بنابراین هدف اصلی این مقاله بررسی ساختار و ماهیت عرصه اجتماعی و سیاسی مورد نظر امام رضا (ع) و یا حکمرانی مطلوب که ایشان ارائه کردند و سعی داشتند بدین وسیله هم بر انواع انحرافات از جمله فساد غلبه نمایند و هم ماهیت و حقیقت دین اسلام در عرصه اجتماعی تبیین کنند.

پیشینه تحقیق

در ارتباط با موضوع این مقاله دو نوع آثار پژوهشی وجود دارد: ۱- اگرچه در مورد رابطه حکمرانی و فساد در اندیشه و سیره سیاسی امام رضا (ع) اثر قابل توجه‌ای وجود ندارد. اما در برخی آثار پژوهشی عمدتاً به مقوله حکمرانی و یا سیاست مطلوب در اندیشه آن امام بزرگوار می‌پردازد و در این آثار به فساد به‌طور غیرمستقیم توجه شده است. ۲- آثاری که به رابطه الگوی حکمرانی مطلوب و کنترل فساد پرداخته شده است. برخی از آثاری که در این دو نوع به آن اشاره شده است، به شرح زیر است:

۱- در آثار نوع اول مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: جمال‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) «قدرت نرم در سیره رضوی»، محمدرضا حاتمی و همکاران (۱۳۹۷) «مهم‌ترین مؤلفه‌های حکومت مطلوب در اندیشه و کنش سیاسی امام رضا (ع)»، درخشه و همکاران (۱۳۹۴) «مؤلفه‌های سیاست‌ورزی در سیره امام رضا (ع)»، اسفندیاری و همکاران (۱۳۹۴) «آرمان‌شهر اسلامی از منظر امام رضا (ع)». در آثار مورد اشاره فقط به عناصر و مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب در اندیشه و سیره سیاسی امام رضا (ع) پرداخته شده است. در حالی که در مقاله پیش‌رو علاوه بر ویژگی مذکور به ارتباط حکمرانی مطلوب و کنترل فساد در اندیشه و سیره سیاسی آن امام بزرگوار می‌پردازد. بر این اساس این مؤلفه مهم که نظام حکمرانی مطلوب مدنظر ایشان از جنبه‌های گوناگون اداری، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بر کنترل فساد تأثیرگذار است را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲- همان‌طور که گفته شد در برخی آثار همانند؛ دقیقی اصلی و همکاران (۱۳۹۲) «اثر حکمرانی خوب بر سطح فساد اقتصادی در کشورهای با سطح توسعه‌یافتگی متوسط»، ملک محمدی و حق‌شناس (۱۳۹۲) «سیاست‌گذاری مبارزه با فساد اداری در جمهوری اسلامی ایران و ارائه الگوی مطلوب: مطالعه تطبیقی ترکیه و پاکستان»، قلی‌پور (۱۳۸۴) «تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری» نیز به رابطه شاخص‌های حکمرانی خوب بر فساد بدون بررسی تأثیرگذاری جنبه‌های گوناگون آن بر فساد می‌پردازد. برخی آثار دیگر هم وجود دارند؛ اختر

رحیمی (۲۰۱۸)، چایمز (۲۰۱۶)، اوزلر و اکتان (۲۰۱۸) که ارتباط کلی میان حکمرانی، فساد و رشد اقتصادی مورد تحلیل قرار می‌دهند.

چارچوب مفهومی

حکمرانی

واژه حکمرانی ترجمه‌ای از واژه یونانی کوبرنا به معنای سکاندار قایق یا کشتی بود که ظاهراً اولین بار به‌عنوان استعاره توسط افلاطون به مفهوم رهبری بکار رفت. افلاطون این واژه را به‌منظور تبیین کم و کیف یک نظام حکومتی بکار برده است. این واژه یونانی در قرون وسطی معنای راندن، حکمرانی کردن یا رهبری را به خود گرفت (سلطانی نژاد، ۱۳۹۶: ۸۲). بر این اساس حکمرانی به مثابه عمل یا شیوه حکومت کردن یا کارکرد حکومت تلقی می‌شود. در عصر جدید نهادهای تخصصی و مشورتی سازمان ملل متحد حکمرانی را مجموعه اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره مشترک امور می‌دانند و همچنین فرایند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت کرده و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است (UN-HABITAT, 2012). بر این پایه، حکمرانی در حقیقت تعامل میان ساختار، فرآیند و سنت که بر اعمال و رابطه قدرت در مجموعه‌های نهادی و اجتماعی دلالت دارد و مفاهیم هدایت، کنترل و تنظیم فعالیت‌ها در جهت منافع مردم یا همه شهروندان، رأی‌دهندگان و کارکنان مستتر است (Plumpton, 1999: 3). جوهره حکمرانی به روابط اجزای درون حکومت و بخش‌های غیرحکومتی اشاره دارد (Kaufmann, 2010: 4). موضوع اساسی در حکمرانی، تصمیم‌گیری و همچنین تصمیم‌گیری در این باره است که چه کسی، چه چیزی، چگونه، کجا و چه هنگام به‌دست آورد (Sapru, 2006: 308).

فساد

در فرهنگ لاتین وبستر فساد به عنوان رفتار نادرست یا غیرقانونی به ویژه از سوی افراد دارای قدرت تعریف شده است (Webster, 2008: 14). از نظر هانتیگتون فساد به مجموعه رفتارهای آن دسته از کارکنان اطلاق می شود که در جهت منافع غیرسازمانی و به عبارتی منافع شخصی ضوابط و عرف پذیرفته شده را نادیده می گیرد (هانتیگتون، ۱۳۷۰، ۹۱-۹۰)؛ بنابراین فساد هنگامی رخ می دهد که کارگزار در اتخاذ تصمیمات اداری تحت تاثیر منافع شخصی یا روابط و علائق خانوادگی و دلبستگی های اجتماعی قرار بگیرد و از منافع عمومی انحراف داشته باشد (تانزی، ۱۳۷۸: ۲۴). بر این اساس فساد به عنوان پدیده ای اجتماعی و فراگیر ممکن است در عرصه های گوناگون حیات اجتماعی بروز یابد و چهره ای خاص به خود گیرد، اما همان طور که اشاره شد در تمام انواع فساد، تعمدی بودن، غیرقانونی بودن و جایگزینی منافع خصوصی و شخصی به جای منافع عمومی و دولتی مشاهده می شود.

چارچوب نظری

ماهیت و مبنای حکمرانی مطلوب (خوب)

سرمشأ دیدگاه حکمرانی مطلوب (خوب) را می توان در اندیشه های چستر بارناد یافت. بارناد راه حل بسیاری از مسائل اجتماعی را در همکاری و مشارکت شبکه ای از بازیگران سازمان های دولتی، بخش خصوصی و نهادهای مردمی می داند. این رویکرد از دهه ۱۹۸۰ به بعد توسط نهادهای بین المللی و در پاسخ به اوضاع نامطلوب جوامع در حال توسعه و حرکت آنها به سوی توسعه ارائه شد. از نظر دی فرانتی (۲۰۰۹) مدل حکمرانی مطلوب (خوب) نحوه حکمرانی و کیفیت رابطه بین شهروندان و حکومت را نشان می دهد. این نظریه بر دخالت منطقی دولت و نقش تسهیل گری و هماهنگی کنندگی آن تأکید دارد و نشانگر تغییر پارادایم نقش دولت، حکومت و همچنین شراکت دولت و نیروهای اجتماعی در تصمیم گیری است؛ به نوعی صدای همه مردم هنگامی که تصمیم هایی گرفته می شود و منابع تقسیم می شوند به گوش می رسد (مقیمي و اعلايي اردكاني، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

حکمرانی مطلوب (خوب) دارای دو زمینه اجتماعی و سیاسی است. در زمینه اجتماعی هدف اصلی، حضور هماهنگ نیروهای اجتماعی در عرصه سیاست گذاری عمومی و برقراری عدالت اجتماعی است. در زمینه سیاسی که خود بر دو قالب حقوقی با خصوصیات و شخصیت توسعه آفرین دولت و قالب مدیریتی با نقش آفرینی راهبردی و کیفی است که در جهت مبارزه با فساد و حاکمیت قانون و در نهایت کارآمدی حکومت عمل می کند (Azeez, 2016: 45). در اسلام دو حکومت یا حکمرانی مطلوب در دو دوره زمانی عینیت خارجی پیدا کرده است. یکی در دوره پیغمبر اکرم (ص) و دیگری در دوره حضرت علی (ع) است. در اسلام از حاکم جامعه اسلامی با عنوان ملک یا سلطان یاد نمی شود و با کلماتی مانند امام (پیشوا و رهبر) و والی نام برده می شود. نگاه اسلام به حکومت نگاهی الهی است. نگاهی که با نگاه دنیا مدارانه و قدرت محورانه تفاوت اساسی دارد. حضرت علی در آغاز حکومت دلیل پذیرفتن این مسئولیت را گرفتن حق ستمدیده از ستمگر و مبارزه با فساد را برشمرده است (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۳۰). در منطق اسلام امام و حکمران امین و پاسبان حقوق مردم و مسئول در برابر آنها است و اگر قرار است یکی از این دو (حکمران و مردم) برای دیگری باشد این حکمران است که برای توده محکوم است نه توده برای حکمران (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۲۸). در حکمرانی اسلامی، انسان آفریده خداست؛ پس زیست انسانی دارای غایت و هدفی تعیین شده است (همه از خداییم و به سوی او باز می گردیم) (سوره بقره، آیه ۱۵۶)؛ بنابراین می توان گفت در مقایسه با حکمرانی غربی در حکمرانی مطلوب اسلامی، نظام سیاسی دارای ماهیت و محتوای خاص در هدایت امور است و ساختار اجتماعی علاوه بر راهبری حاکمان عادل و عالم مبتنی بر کرامت مردمی و نظارت اجتماعی است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

ساختار اجتماعی در الگوی حکمرانی مطلوب (خوب)

در این بخش به شراکت و همکاری بازیگران اجتماعی اشاره دارد. ارتباط صحیح و تعاملی سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی زمینه اجتماعی حکمرانی خوب را فراهم می سازد. نماد دولت؛ حاکمیت، نماد بخش خصوصی؛ ایجاد مازاد، کارآفرینی و سوددهی و نماد جامعه مدنی؛ سازمان های غیردولتی است. در این ساختار روابط بین اجزاء افقی و هم تراز است.

اجزاء دارای ارتباط متقابل با هم دیگر هستند و ارتباط به گونه‌ای است که هم‌افزایی و اتحاد میان بازیگران در ترسیم راهبردهای کلان و اصلی برقرار می‌شود. ساختار در عرصه اجتماعی و الگوی حکمرانی خوب؛ عمودی و سلسله‌مراتبی نیست. به تعبیری دیگر الگوی حکمرانی خوب هنر سازوکار و تعامل میان نیروهای اجتماعی یعنی بازار، دولت و جامعه مدنی است (Elsnhans, 2001:35). در این ساختار بر روی تصمیمات و اجرای سیاست‌های کلی ضمن گوناگونی و تضارب نظرات یک توافق کلی و کلان وجود دارد و تعاملات بر مبنای نیازها و سازوکار اصلی جامعه برقرار است. (Borzil, 2008:5)

اما برخلاف حکمرانی غربی که محتوای مادی و زمینی دارد، مبنای حکمرانی اسلامی توحید است و در نظام توحیدی هدف اساسی انسان دستیابی به قرب و رضای الهی است و ماهیتی بر اساس عدل، ایثار، احسان و تعاون دارد (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰: ۸۱). اگرچه در نظام حکمرانی مطلوب اسلامی همانند حکمرانی مطلوب غربی ساختار افقی اجتماعی با محتوا و بنیانی اعتقادی و ارزشی در عرصه اداره عمومی وجود دارد. بر این اساس مردم و حکومت اسلامی در کنار هم‌دیگر و نسبت به هم مسئول هستند و به‌نوعی میان آنان همراهی و همکاری وجود دارد. در این حوزه امریه معروف و نهی مؤلفه بسیار قابل اتکایی است. امام خمینی (ره) می‌فرمایند: همه باید نسبت به همه رعایت بکنند. همه باید نسبت به دیگران مسئولیت من گردن شماست، مسئولیت شما گردن من است. اگر من پایم را کج گذاشتم شما مسئولید، اگر نگویید چرا پایت را کج گذاشتی؟ باید هجوم کنید، باید نهی کنید که چرا...؟ (امام خمینی (ره)، ج ۸: ۴۸۷).

ماهیت نظام سیاسی در الگوی حکمرانی مطلوب (خوب)

ماهیت نظام سیاسی در الگوی حکمرانی خوب علاوه بر شرایط سیاسی، ابعاد حقوقی و مدیریتی هم در بر می‌گیرد. این ویژگی‌ها در بخش مدیریتی شامل کارایی و اثربخشی و کنترل فساد است. در بخش حقوقی شامل حاکمیت قانون و کیفیت قوانین و مقررات و به عبارتی تسهیل‌گری است. اما ویژگی‌های سیاسی در الگوی حکمرانی خوب عناصری همچون ثبات سیاسی و عدم خشونت و حق اظهار نظر و پاسخگویی را شامل می‌شود (Christiane Arndt and Charles Oman, 2008:11).

اما همان‌طور که گفته شد ماهیت نظام سیاسی در الگوی حکمرانی مطلوب اسلامی با توجه به بنیاد توحیدی و وجه معنویت‌گرایی و سعادت‌طلبی آن در برابر رویکرد غربی دارای ابعاد گسترده‌تری است. در حوزه اداری و مدیریتی به ابعادی همچون شایستگی، شفافیت، مقابله با فساد و نظارت بر کارکنان اشاره دارد. ابعاد حقوقی این حکمرانی علاوه بر قانون‌گرایی، بعد شریعت‌گرایی نیز در برمی‌گیرد؛ اما ابعاد سیاسی در کنار پاسخگویی، مشورت‌پذیری، انتقادپذیری، جلب رضایت عمومی، دارای عناصری همچون احترام متقابل حاکمیت و امت، عدالت‌فراگیر و احساس مسئولیت است (نهج البلاغه، خطبه‌های، ۲۰۵، ۲۱۶، ۱۰، ۵۵، ۳۴، ۳۵).

الگوی حکمرانی مطلوب (خوب) و کنترل فساد

اگرچه کنترل فساد خود یکی از شاخص‌های اصلی در الگوی حکمرانی مطلوب (خوب) است ولی این ارتباط را می‌توان دوطرفه تحلیل کرد. بر این اساس دیگر شاخص‌های حکمرانی مطلوب با توجه به تأثیراتی که بر ساختار اجتماعی و ماهیت نظام سیاسی دارد، می‌تواند از جنبه‌های گوناگون (اداری، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) بر کنترل فساد تأثیرگذار باشد؛

اداری

یکی از پایه‌های اصلی در الگوی حکمرانی مطلوب (خوب) در سطح دولت سازمان‌دهی نظام اداری و طراحی بوروکراسی پویا و توانمند است. حکمرانی مطلوب اسلامی اگرچه در حوزه اداری همانند الگوی غربی دارای مؤلفه‌هایی مانند شایسته‌سالاری، تخصص‌گرایی، قانون‌مداری، انسان‌گرایی است، اما این عناصر با ابعاد معنویت‌گرایی و روحیه جهادی تقویت می‌شوند (نهج البلاغه، نامه ۵۳، خطبه ۱۹۶ و حکمت‌های ۷۰ و ۳۹۹). از لحاظ مدیریت نیروی انسانی نیز بر اصل شایستگی در استخدام و جذب نیروی انسانی تأکید دارد و سرمایه‌های انسانی از اهمیت زیادی برخوردار است. از لحاظ فناوری مدیریتی همانند رویکرد غربی بر کل‌نگری، همسوسازی جهت‌گیری‌ها، برنامه‌ها و اقدام‌ها، هماهنگی بین نظام سازمانی، تعامل اثربخش بین افراد و واحدهای سازمانی تکیه دارد (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۴-۱۲۰). اما از لحاظ اجتماعی مردم‌گرا و پاسخگو است و پایبند به اصول و ارزش‌های اخلاقی است. از بعد فرهنگ‌سازمانی بر

عناصری مانند توسل به خداوند، امانت‌داری، ایثارگری و اعتماد به نفس، صداقت، قناعت‌محوری و فرهنگ ولایی و استکبارستیزی و مسئولیت‌پذیری توجه دارد (جاجرمی زاده، ۱۴۰۰: ۱۰۴). حکمرانی مطلوب اسلامی در صورت تحقق با ویژگی‌های یادشده در نظام اداری، زمینه را برای هرگونه فساد و ناپاکی از بین می‌برد.

اجتماعی

در حکمرانی خوب دیدگاه اقلیت‌ها به حساب آورده می‌شود و صدای اقشار آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری‌ها شنیده می‌شود و می‌تواند پاسخگوی نیازهای حال و آینده جامعه باشد و زمینه را برای تعدی به اموال عمومی می‌بندد و مردم خود ناظر عالی هستند (فاضلی و جلیلی کناری، ۱۳۹۱: ۴۴). در حکمرانی مطلوب اسلامی نیز با بنیان توحیدی و اجرای احکام الهی دست تعدی بر اموال بسته می‌شود و شرایط برای رسیدن به یکی از اهداف اصلی نظام حکمرانی که همان اجرای عدالت است فراهم است و حقوق افراد به رسمیت شناخته می‌شود و افراد هم حقوق یکدیگر را رعایت کنند. بنابراین منفعت‌طلبی و تعدی به اموال عمومی جایگاهی ندارد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۹۹). آموزه بدیع و منحصر به فرد امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان پایه‌های سه‌گانه رفتار سیاسی اسلامی، موجد مشارکت سیاسی در اسلام است (برزگر، ۱۳۸۷: ۱۷۵-۱۷۴، خرمشاد، ۱۳۹۶: ۳۳). این آموزه در فرایند اجتماعی و سیاسی خود با اشکال متنوعی چون نسبت مردم به مردم (فرایند موازی) و نسبت حاکمان به مردم (فرایند عمودی از بالا به پایین) و نیز نسبت مردم به حاکمان (فرایند عمودی از پایین به بالا) جلوه می‌کند که ظرفیت و کاربرد بسیار اساسی در کنترل فساد دارد.

اقتصادی

در نظام حکمرانی خوب و با توجه به گسترش بخش خصوصی و جامعه مدنی و کارآمدی دولت و نیز به دلیل سلامت نظام اداری و ساختارهای اقتصادی، فسادهایی مانند گریز مالیاتی، کسب مجوزها و امتیازات، حساب‌های غیرشفاف و نظایر آن وجود ندارد (شقایق شهری، ۱۳۹۰: ۴۵). بر اساس آموزه‌های قرآن، قوام جامعه به اقتصاد و سلامت آن است، خداوند متعال در آیه پنجم سوره نساء در این باره فرموده است: اموالی که خدا قوام زندگی شما را به آن مقرر داشته به تصرف

سفیهان ندهید و از مالشان نفقه و لباس به آنها دهید و با آنان سخن نیکو و دلپسند گوید. بر اساس حکمرانی مطلوب اسلامی عدالت‌گریزی و قانون‌گریزی از عوامل عمده در فساد اقتصادی هستند. از طرفی دیگر ناکارآمدی ساختارهای دولتی هم می‌تواند بر میزان فساد تأثیر بگذارد. از نظر فردی نیز تقوا و آخرت‌محوری از عوامل عمده در کاهش فساد مالی هستند و در سطح حکومت شایسته‌سالاری و شفاف‌سازی از عوامل اصلی در تقویت یک اقتصاد سالم و به دور از فساد است. یکی از اقدامات مهم در حکمرانی اسلام به آن توجه می‌شود تا تأمین مالی کارگزاران است. امام علی (ع) در این ارتباط به مالک اشتر توصیه‌های لازم را می‌کنند (نهج‌البلاغ، نامه ۵۳).

فرهنگی

در مبارزه با فساد نگرش و شخصیت افراد یک جامعه نسبت به این مقوله بسیار مهم است. در حکمرانی خوب با توجه به توسعه اجتماعی و نقش گسترده جامعه مدنی و شبکه‌های اجتماعی توسعه شخصیتی و آگاهی بخشی آسان‌تر انجام می‌گیرد. همین موضوع آگاهی بخشی، جامعه را نسبت به موضوعات گوناگون و از جمله فساد حساس می‌کند (شریف‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۰۸). در حکمرانی اسلامی سعادت ابدی انسان تنها در سایه یکتاپرستی، سلامت امور اجتماعی و اقتصادی و پرهیز از هرگونه فساد انگیزی است. خداوند متعال در آیات ۸۴ و ۸۶ سوره هود به این مساله اشاره می‌کند. در فرهنگ اسلامی مسئول خود را خادم رعیت می‌داند و هیچ‌وقت خود را بالاتر از آنها نمی‌شمارد، بنابراین به خود اجازه نمی‌دهد که از قدرت نامشروع استفاده کند. نکته مهم در فرهنگ اسلامی که زندگی شخص حاکم مانند مردم است و او هیچ امتیازی برای خود قائل نیست، همچنین در فرهنگ اسلامی میزان تکلیف افراد با توجه به قدرت و مسئولیت آنها متفاوت است، یعنی هر کس مسئولیتش بیشتر، تکلیفش نیز بیشتر است (عوقی، ۱۳۸۸: ۱۴۳).

سیاسی

در حکمرانی مطلوب (خوب) دولت شفاف، کارآمد و مبتنی بر شایسته‌سالاری و قوانین و مقررات ساده و روشن است، حاکمیت قانون به گونه‌ای منصفانه اعمال می‌شود، سیاست و چارچوب‌های قانونی در تصرف گروه‌های ذی‌نفوذ نیست، جامعه مدنی و رسانه‌های گروهی

صدای مستقلی دارند که پاسخگویی دولت را ارتقاء می‌دهد. درآمدها و سرمایه‌گذاری‌ها رشد و افزایش می‌یابند و امید به زندگی طولانی‌تر پدیدار می‌شود و این همه در کاهش فساد تأثیر مستقیم خواهد داشت؛ زیرا طبق تعریف فساد اداری در نتیجه ساختار غیرشفاف، غیراستاندارد و پاسخگویی پایین شکل می‌گیرد (قلی پور، ۱۳۸۴: ۱۱۷). در حکمرانی مطلوب اسلامی، همه چیز از خداوند و به سوی او دانسته می‌شود و مطابق آیات قرآن تمام ارکان وجود سیطره مطلق اوست و بنابراین هیچ‌گونه ناپاکی و پلیدی در آن راه ندارد. امام علی (ع) هم می‌فرمایند: حکومت امانتی است الهی برای خدمت به مردم، نه وسیله‌ای برای ارتزاق و درآمد (نهج البلاغه، نامه ۵). به همین جهت، ملاک خود در واگذاری کار به افراد را میزان مسئولیت‌خواهی و پاسخگوبودن فرد در مقابل آن مسئولیت می‌دانست. تمام تشکیلاتی که در اسلام از صدر اسلام تا حالا بوده است و تمام چیزهایی که انبیاء از صدر خلقت تا حالا داشتند و اولیای اسلام تا آخر دارند، معنویات اسلام است، عرفان اسلام است، معرفت اسلام است، در رأس همه امور این معنویات واقع است، تشکیل حکومت برای همین است. البته اقامه عدل است، لیکن غایت نهایی معرفی خداست و عرفان اسلام (امام خمینی، ۱۳۸۴: ۱۰۳).

بنابراین حکمرانی مطلوب اسلامی دارای بنیادی توحیدی است و حاکم اسلامی دارای شرایط کافی و جامع برای اداره امور است و از طرف دیگر از نظر ماهیتی و ساختاری در وجه کلان آن به گونه‌ای است که روند سیاست‌گذاری و راهبری امور در شرایط خدمت‌دهی و تعالی‌بخشی قرار دارد و هرگونه انحراف و فساد را با قاطعیت برخورد و کنترل می‌کند.

چارچوب روشی

در این پژوهش از روش هرمنوتیک اسکینری استفاده می‌شود. از نظر اسکینر هر متفکر و یا کنشگری در اوضاع تاریخی خاص و با توجه به مجادلات فکری جاری اندیشه ورزی می‌کند. متفکر یا کنشگر سیاسی و اجتماعی از نظر اسکینر با قصد گفتن چیزی معین در وضعیت موجود با معضلات مواجه است و در برابر آن راهکار هنجاری معینی ارائه می‌دهند. از نظر روش‌شناسی اسکینر، شناخت زمینه‌های اجتماعی و سیاسی، شرایط زمانی، محیط فکری و مجادلات و پرسش‌هایی که در دوره آن متفکر و یا کنشگر در آن فضا مطرح است، در فهم اندیشه یک

کنشگر مؤثر است و به محقق امکان می‌دهد دغدغه‌ها، انگیزه‌ها، موضع‌گیری‌ها و حتی مبانی کنش و یا اندیشه یک کنشگر و یا یک متفکر را بازنمایی نماید (Skinner, 1981:2). در این روش میان انگیزه و نیت تمایز تفاوت است. بر مبنای این تمایز، انگیزه امری مقدم بر متن و خارج از آن است که مرتبط با پیدایش متن بوده و متناظر علت در روش‌های تجربی است، حال آن‌که نیت با اشاره به طرح مؤلف یا کنشگر برای تألیف نوعی متن و یا کنش خاص تعریف می‌شود (پالمر، ۱۳۷۷:۶۴). بنابراین طبق این روش، در ابتدا بستر سیاسی و اجتماعی، ایدئولوژی‌های رایج و منازعات فکری و همچنین بنیان‌های فکری امام رضا (ع) در مورد حکمرانی مورد بررسی قرار می‌گیرد، آنگاه در قالب این پیش‌زمینه‌ها، هدف اصلی امام رضا (ع) که در واقع ترسیم نوعی چارچوب اجتماعی و سیاسی مطلوب در جامعه اسلامی است که در برابر هر انحراف از جمله فساد قرار دارد، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

محیط اجتماعی دوره امام رضا (ع)

الف: سیاسی

دوره امام رضا (ع) (۲۰۳-۱۴۷ق) یکی از دوره‌های پرتنش سیاسی است. ۱۰ سال اول امامت آن حضرت مصادف با زمامداری هارون الرشید است، پنج سال بعد از آن هم‌زمان با خلافت امین بود و پنج سال آخر امامت آن امام بزرگوار مصادف با خلافت مأمون و تسلط او بر قلمرو اسلامی است. اما اوضاع سیاسی و خلافت عباسی در دوره امام رضا (ع) با آشفتگی‌ها و انحراف‌های فراوانی و به دنبال آن فساد و ناکارآمدی همراه است (طبری، ۱۳۶۳، ج ۱۲: ۵۲۸۰). در طول این بیست سال قیام‌های علوی و غیرعلوی زیادی بر ضد حاکمیت عباسیان صورت گرفت که در نهایت حکومت عباسی به سرکوب این قیام‌ها موفق شد (طبری، ۱۳۶۳، ج ۱۲: ۵۲۸۰). از دلایل دیگر اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی نزاع بر سر تصاحب قدرت در میان خود بنی عباس است. به‌خصوص می‌توان به درگیری بین امین و مأمون بر سر قدرت اشاره کرد که سرانجام به پیروزی مأمون منجر شد. این درگیری‌ها و تعارضات نمی‌توانست با اخلاق و اصول اجتماعی مدنظر امام رضا (ع) تناسب داشته باشد، امام رضا (ع) در مجموع مردم را از تفرقه و جدایی بر حذر می‌داشت

و از نظر ایشان در صورت نزاع و افتراق سخت‌ترین عذاب‌ها در انتظار آنان است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱: ۲۳۰، ح ۲۷). عرفی‌سازی سیاست از راهبردهای اصلی دوره مأمون است که این خود یکی از دلایل اصلی بود که به فساد در ساختار و ارکان خلافت منجر شده بود که امام رضا (ع) در برابر آن جهت‌گیری می‌کند و سعی در ارائه آموزه‌های صحیح و حقیقی از ماهیت سیاست دارند (افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۶). باید گفت فرمانروایان اموی و عباسی از نظر عقیدتی و منش عملی، با مبانی دین اسلام تعارض و ستیز داشتند. همان اسلامی که با نامش بر مردم حکم می‌راندند. مردم نیز به موجب تسلط حکومت، اسلام را همان‌گونه می‌فهمیدند که اجرائش را در متن زندگی خویش مشاهده می‌کردند. پیامد این اوضاع، انحراف روز افزون و گسترده از خط صحیح اسلام و گسترش فساد است که البته دیگر مقابله با آن آسان نبود.

فرهنگی و اعتقادی

در این دوره موج‌زن و فرهنگی بیگانه‌ای بر جامعه اسلامی چیره شده است که در قالب بحث-های فلسفی واردید برانگیز نسبت به مبادی خداشناسی، با خود کفر و الحاد به ارمغان می‌آورد. همچنین گرم شدن بازار اهل نص و اهل رأی روتق دارد. اهل نص به سنت نبوی و اسناد و نصوص دینی تکیه می‌کردند و اهل رأی، اجتهاد را در مقابل نص قرار می‌دادند. جریان خوارج نیز در این دوره فعال بود و در مقابلش، جریان مرجئه قرار داشت. در مقابل جریان اهل حدیث، جریان معتزله به ارائه تفکراتش می‌پردازد. حتی فراتر از این دو گانه‌های کلامی، انشعابات در میان شیعیان نیز به وجود آمده بود و جریاناتی مانند زیدیه و فطحیه در جامعه فعالیت داشتند. جریان بسیار خطرناک و مرموز غلات نیز در این دوره فعال بود و جامعه را نسبت به تفکرات شیعی بدبین می‌کرد. از سوی دیگر، افکار الحادی هم، از آن سوی مرزهای سرزمین‌های اسلامی، در جامعه رواج پیدا کرده بود. در چنین شرایطی، فردی به‌عنوان خلیفه بر جامعه تسلط دارد که افزون بر فریب‌کاری، شخصی علاقه‌مند به مباحث فکری با گرایش معتزلی است (رفاعی، ۱۳۴۶ق، ج ۱: ۳۷۵). بنابراین مهم‌ترین مشکلات فرهنگی این دوره انحراف از سنت نبوی است. یکی دیگر از انحرافات به وجود آمده در این دوره تحریف احادیث است و احادیث جعلی فراوانی نشر پیدا می‌کند. در این دوره شایعات و دروغ‌پراکنی فراوانی علیه اهل بیت رواج پیدا می‌کند. از دیگر مشکلات این دوره فریب و نیرنگ

حکومت است که این مشکل بیشتر زمان خلافت مأمون وجود داشت. مبانی مشروعیت خلافت در این دوره هم بر اساس نظریه‌های مشروعیت در دوره خلافت راشدین و هم نظریه‌های برساختی است که خود بر حوزه‌های اجتماعی و نحوه اداره دیوانسالاری این دوره تأثیرگذار بوده است.

اجتماعی

از نظر اجتماعی ویژگی‌های شاخص عصر امام رضا (ع) تکثر در فکر و عقیده و مذهب میان دانشمندان و حتی عوام است که بخش عمده‌ای از این اختلافات ریشه در عملکرد خلفای عباسی مخصوصاً مأمون داشت. شکل‌گیری و رشد نهضت ترجمه به درخواست مأمون، گسترش بی‌سابقه سرزمین‌های اسلامی، ورود افراد تازه‌مسلمان، طرح سؤال‌ها و شبهه‌ها و محرومیت مردم از معارف حقیقی به دلیل جنایت‌های عباسیان بر ائمه موجب انحرافات، التقاط و عقاید باطل در میان مسلمانان شده است (درخشه و حسینی، ۱۳۹۱: ۱۸۹). از جمله مصایب اجتماعی این دوره می‌توان به تفرقه شیعیان بعد از شهادت امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) و همان‌طور که گفته شد اثرگذاری کتب یونانی و سریانی که در سایه ترجمه این آثار، افکار آن ملل نیز به درون جامعه اسلامی سرایت کرده بود. علاوه بر آن در این دوره در تعاملات اجتماعی، نگاه طبقاتی و سلسله مراتب اقتصادی و سیاسی به شدت در سراسر جامعه رایج است و به نوعی کرامت واقعی انسان هم نادیده گرفته می‌شود.

از طرف دیگر امام رضا (ع) در برابر حکومتی قرار گرفته بود که با سوء استفاده از موقعیت ویژه اهل بیت و با شعار خشنودی آل محمد (ص) سرکار آمده بود، ولی پس از استحکام پایه‌های خویش روی بنی امیه را سفید کرده و توحش، شکم‌بارگی و عیاشی و فساد را به اوج خود رساند. هارون الرشید عباسی با کشتار بی‌مهابا و گرفتن مالیات‌های کلان، استبداد و خون آشامی را به نهایت رساند (ابن طاووس، ۱۴۰۰ق: ۲۸۲).

باتوجه به این شرایط خاص که فساد هم از نوع اعتقادی و فکری و هم در شکل و کارکرد حکومت است، امام رضا (ع) با تکیه بر ماهیت گفتگویی دین اسلام در تعامل با گروه‌های گوناگون اجتماعی و به خصوص در برابر خلافت عباسی و شخص مأمون سعی در راهبری جامعه و ارایه ماهیت حکمرانی مطلوب اسلامی داشتند. حکمرانی اسلام واقعی که امام سعی در ترویج آن

داشتند، جامعه را از هر نوع فساد و انحرافی بدور می‌کند و در مسیر سعادت واقعی قرار می‌دهند، در حقیقت پذیرش ولایتعهدی هم بر این مبنا بوده است.

حکمرانی مطلوب اسلامی و اضلاع آن در اندیشه و سیره سیاسی امام رضا (ع)

سیاست و حکومت در دیدگاه امام رضا (ع) همان ادامه جریان بشری‌سوی خیر، سعادت و فضیلت به‌شمار می‌رود و ابزاری است که زمینه را برای اهداف متعالی فراهم می‌کند (حاتمی، ۱۳۹۸: ۲۰۲). البته عرصه سیاسی در یک زمینه اجتماعی همدل و هماهنگ به شرایط تعالی و تعادل می‌رسد. نظام حکمرانی در اندیشه امام رضا (ع) دارای دو بخش اجتماعی و سیاسی است که با همکاری تمامی نیروهای اجتماعی و نیز بوسیله حکومتی که دارای ماهیتی هدفمند و سعادت‌مندگرا است شکل می‌گیرد و با تاثیر در سطوح گوناگون اجتماعی انواع انحرافات و فساد در آن جای ندارد.

بر این اساس تشکیل حکومت اسلامی به عنوان یکی از ابزارهای اصلی دین اسلام در هدایت مردم به سعادت حقیقی است. چنان‌که در نظام حکمرانی اسلامی و شیعی حاکم عالم و عادل‌ترین فرد است. مبنای اندیشه سیاسی امام رضا (ع) نیز مانند پدران بزرگوارش باور به تشکیل حکومت مطلقه دینی بر پایه حاکمیت الهی و نفی حاکمیت خاندانی، قبیله‌ای و قومی است. بر این اساس سیاست در اندیشه امام رضا (ع) همان ادامه جریان بشریت به سوی خیر، فضیلت و سعادت است و پیروی از طریق اهل بیت همان ادامه جریان بشر به سوی خیر و سعادت می‌باشد که تنها راه نجات و رستگاری و غلبه بر انحرافات جامعه است (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۹۲: ۸۷).

هدف حکمرانی اجرای حدود الهی است، از نظرایشان اگر حاکمی از اجرای حدود الهی سرباز بزند، مستحق عذاب الهی است. امام رضا (ع) می‌فرماید: اگر چیزی از پیش خود آوردم یا در حکم خدا تغییر و دگرگونی نمودم، شایسته این مقام نبوده، خود را مستحق کیفر نموده‌ام و من به خدا پناه می‌برم از خشم او (ابن بابویه، ۱۳۷۶ق، ج ۲: ۱۱۱). امام رضا (ع) در حقیقت سعی در بنیان نهادن یک آرمان‌شهر اسلامی دارد که براساس تعالیم قرآنی و آموزه‌های نبوی راهبری می‌شود و در مسیر تحقق آموزه‌های اسلامی، جاری کردن شریعت الهی و سنت و سیره رسول اکرم (ص)

حرکت می کند و زایل کننده تمام انحرافات و فسادها است که بدون شک به سعادت بشری رهنمون می شود.

بر این اساس از نظر امام رضا (ع) بنیان حکومت اسلامی بر اصل توحید و ایمان به خداوند یکتا قرار گرفته است و جزء بعدی که نبوت/امام می باشد می بایستی احکام الهی را جاری سازد و از طرف خداوند مامور برای اجرای قواعد الهی است. هر چند مشروعیت حکومت اسلامی از طرف خداوند می باشد، اما با حمایت مردمی جنبه عملیاتی پیدا می کند و فرامین و قواعد الهی هم برای رستگاری مردم است (ابن بابویه ۱۳۷۶ ق، ج ۲: ۳۶؛ فرمیهنی فراهانی، ۱۳۹۳: ۷۳). بنابراین حکمرانی مطلوب امام رضا (ع) که بنیانی توحیدی دارد با توازن و همکاری تمامی نیروهای اجتماعی قابل تحقق است.

الف: توحید

بنیادیترین اصل در منظومه جهان بینی امام رضا (ع) توحید است. توحید پایه معرفت خداوند می باشد. امام رضا (ع) شرط رهایی از عذاب الهی را توحید و شرط توحید را قبول ولایت و امامت می داند. خداوند متعال برترین حاکم و ولی این جهان است و همه پدیده ها در سایه قرب او معنا پیدا می کند. در چنین حکومتی حاکم مسئول است و دیگر به دید منفعت طلبانه به حکومت نظر نمی افکند و حکومت ودیعه ای الهی است و همه چیز صبغه الهی پیدا می کند (نقیه، ۱۳۹۱: ۷۱).

ب: نبوت

امام رضا (ع) در مناظره با چاللیق و راس الجالوت که بزرگان خارج از دین اسلام بودند به اثبات حقانیت پیامبر با استفاده از کتاب دین خود پرداختند. مثلا در مناظره با چاللیق امام با تاکید بر روایت سفر سوم انجیل و اشاره به قسمتی از انجیل که در آن یوحنا گفته بود: مسیح مرا به دین محمد عربی آگاه کرد و مژده داد که بعد از او خواهد آمد و من نیز به حواریون مژده دادم و آنها به او ایمان ایمان آوردند، عالم بزرگ مسیحی را خلع سلاح کرد. در مناظره با راس الجالوت نیز به بشارت حضرت موسی (ع) مبنی بر ظهور پیامبری از میان برادران بنی اسرائیل که دال بر حقانیت رسالت رسول اکرم (ص) اشاره کردند. سرانجام ایشان به معجز بزرگ پیامبر هم اشاره دارند که

کتاب آسمانی چون قرآن با تمام ویژگی‌های بارز و ممتاز آن بوجود می‌آورد. در حالیکه پیامبر یتیمی بوده که چوپانی می‌کرده و بدون اینکه معلم و یا سواد داشته باشد (طبرسی، ۱۳۸۱: ۴۳۹). در نظام حکمرانی اسلامی، نبی (ص) در رأس ساختار سیاسی و اجتماعی قرار دارد و قوام و دوام مدینه به او بستگی دارد. دوم آن که قانون در مدینه از نبی نشأت می‌گیرد. در تفکر اسلامی، نبی (ص) که با عالم فوق قمر در ارتباط است، معارف را در قالب شریعت که هم شامل قواعد فردی، اخلاق و هم قواعد عمومی قانون مدینه می‌شود از جانب خداوند دریافت می‌کند و به عموم انسان‌ها عرضه می‌نماید. در زمان حضور نبی (ص) آیات قرآن و سیره و سنت او مبنای عمل و راهنمای افراد در زمینه امور فردی، اخلاق و امور اجتماعی و قانون تلقی می‌شود (علی حسینی، ۱۳۸۵: ۳۵). دولت مدینه‌النبی که توسط پیامبر در قالب امت مدینه بنیان گذاشته شد، الگوی دولت اسلامی بر پایه واقعیات قرآنی است و به دور از هرگونه ناپاکی و فساد می‌باشد (افضلی، ۱۳۸۲: ۶۳).

پ: امام معصوم

اندیشه سیاسی شیعه بر حاکمیت امام معصوم سامان یافته و فقط با حاکمیت اوست که امور سامان می‌یابد و امت راه صلاح و سعادت را می‌پیماید. امام رضا (ع) با معرفی جایگاه و مقام امام معصوم بر انتصابی و عصمت بودن آن تاکید می‌کند. امام در عین اینکه زعامت دینی و دنیوی مردم را بر عهده دارند از همه حیث شایسته‌ترین فرد برای تصدی حکومت است (در خسته و حسینی فائق، ۱۳۹۴: ۱۹). آنان جانشینان رسول خدا و نبی هستند و در هر زمانی امر امامت استوار است و هیچ‌گاه هستی خالی از حجت نیست. چنان که در روایتی به نقل از محمد بن اسماعیل؛ امام رضا (ع) می‌فرماید: هر که بدون امامی بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق: ۶۶۸). از نظر امام رضا (ع)، امام موهبتی از جانب خدا برای مردم است زیرا عقول مردم توان انتخاب امام را ندارد (طبرسی، ۱۴۳۰ ق، ج ۲: ۴۳۳). بر این مبنا حرکت صحیح و واقعی بر اساس سنت و روش پیامبر و امیرالمؤمنین (ع) است. در حقیقت با این مختصات که امام رضا (ع) برای امام معصوم برمی‌شمرد حکومت عباسیان را به چالش می‌کشد و به نوعی حکمرانی مدنظر ایشان را هم می‌تواند در این قالب گنجانند.

ت: مردم

منصب عالی امامت و انجام وظایف و مسئولیت‌های آن نیازمند به بیعت و استقبال مردمی نیست. به دیگر سخن مشروعیت آن به مقبولیت عمومی نیاز ندارد، زیرا مشروعیت و حقانیتش را از خدا به دست می‌آورد. پس امام همواره حق و مشروع است، خواه همه مردم او را به امامت قبول داشته باشد و با وی بیعت کرده باشند، خواه حتی یک نفر هم به او ایمان نیاورده باشد (حسینی فر، ۱۳۹۵: ۱۵۵). اما اساساً آنچه را که خداوند به‌عنوان امام و اولی الامر برای مردم قرار داده است، قطعاً اقبال مردمی نیز در پی دارد، کما اینکه در زندگی امام رضا (ع) بارها استقبال مردم از ایشان در تاریخ به ثبت رسیده است، از جمله استقبال بی نظیر مردم نیشابور از ایشان که هزاران نفر آماده و قلم به دست منتظر قدوم ایشان بودند و همچنین نماز باران و عید فطر است (ابن بابویه، ۱۳۱۵، ج ۲: ۱۴۱). لذا دوره حیات امام هشتم (ع) اوج گیری گرایش مردم به اهل بیت (ع) و گسترش پایگاه‌های مردمی این خاندان است. امام از پایگاه شایسته مردمی برخوردار است و در همان شهر که مأمون با زور حکومت می‌کرد او مورد قبول همه مردم بود و بر دل‌ها حکومت می‌کرد، چنان‌که مأمون را مجبور به پیشنهاد ولایتعهدی می‌کند. بنابراین تحقق و تشکیل دولت معصوم نیز با تصمیم و مراجعه آزادانه مردم تحقق می‌یابد (فیرحی، ۱۳۸۱: ۲۴۰).

حکمرانی مطلوب اسلامی و مبارزه با فساد در اندیشه و سیره سیاسی امام

رضا (ع)

فرهنگی

یکی از هدف‌های اصلی امام رضا (ع) قبل و به‌ویژه بعد از ولایتعهدی این است که از طریق گفتگو و مفاهمه با مردم عادی و مناظره و مباحثه با جریان‌های مختلف فکری و فلسفی و کارگزاران خلافت عباسی انحرافات که می‌توانست زمینه‌ساز انواع رفتارهای ناهنجار و فساد باشد، را از بین ببرند و شرایط را برای پیاده‌سازی اسلام واقعی فراهم کنند. به‌نوعی در این مناظرات بر حقیقت دین اسلام و پایه‌های توحیدی، نبوی آن می‌پردازند. از نظر ایشان هدف اصلی در نظام حکمرانی اسلامی کسب سعادت «آخروی» است. همین بنیان اعتقادی و اندیشه‌ای موجب می‌شود که هدف

تمام اندیشه‌ها و افعال کسب سعادت اخروی و نزدیکی به خدا و تقوا محوری باشد. اولیای الهی و رهبران دینی در این زمینه ذره‌ای کوتاه نمی‌آمدند و غایت اخروی افعال خود را هیچ‌گاه از نظر دور نمی‌دارند. در عرصه سیاسی نیز، اخلاق و سیاست آنها اخلاق و سیاستی آخرت‌گرا است. این بنیان اعتقادی بر عملکرد و رفتار در تمام سطوح و بخصوص در سطح کارگزاران اسلامی تأثیرگذار خواهد بود و آنها را از هرگونه انحراف، منفعت‌طلبی و تعدی به حقوق مردم باز می‌دارد (احمدی فر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۹)؛ بنابراین یک نوع مهم فساد، فساد در لباس دین است. این نوع از فساد همه عرصه‌ها را آلوده می‌کند. این نوع فساد، یعنی تباهی و تخریب و انحرافی که بنام (دین و ارزش‌ها)، ارکان یک جامعه را در بر گیرد. در این قسم از فساد، با سوءاستفاده از نام دین و با توجیه دینی، سیاست‌های غیردینی و غیراخلاقی و یا غیرقانونی حکومت دینی و یا چهره‌های دینی به شکل مثبت عرضه می‌شود. یکی از اقدامات مهم امام رضا (ع) در این چارچوب، مبارزه با فساد در ظاهری دینی است. بخش عمده‌ای از مبارزه امام هشتم (ع) با خلفای عباسی و به‌خصوص مأمون در این نقطه متمرکز است، او اجازه نمی‌دهد بنام دین و یا به‌وسیله صاحب‌نامان دینی و یا حکومت دینی، فساد لباس شریعت به تن کند. امام رضا (ع) در موارد متعددی بر علیه این فساد جهت‌گیری می‌کند (ابن بابویه، عیون‌الخبار، ج ۲؛ ۱۷۱). همان‌طور که گفته شد سیره امام رضا (ع) با همه محدودیت‌ها و نظارت‌هایی که از سوی مأمون برایش ایجاد شده بود، متوجه نقد حاکم و حاکمیت است تا حاکمیت بنام خلافت اسلامی، دچار فساد در لباس دین، نشود. البته باید گفت نه تنها در حکومت‌ها و حاکمیت‌هایی که به‌وسیله اشخاص غیر معصوم مدیریت می‌شود، جای نقد و انتقاد باز است، بلکه بر اساس نهج‌البلاغه در حکومت‌هایی که یک معصوم صاحب قدرت است، گرچه خود شخص امام معصوم خطا ناپذیر است اما به لحاظ مسئولیت‌های بعدی در آن حاکمیت، فرض “نقد و انتقاد” کاملاً امکان‌پذیر است. از همین جاست که خود امام علی (ع) نیز همگان را دعوت به نقد صریح و جدی می‌کند تا حکومتش هیچ‌گاه دچار فساد که زیر لباس دین مخفی است، نشود (نهج‌البلاغه خطبه ۱۱۶). بنابراین یکی از جنبه‌های اصیل حکمرانی مطلوب اسلامی حوزه فرهنگی و اعتقادی است که به این بخش توجه ویژه‌ای شده است و نوعی مشارکت همگانی را طلبیده است تا از هرگونه فساد و انحراف فرهنگی و اعتقادی و سرایت آن به بخش‌های دیگر جلوگیری شود.

سیاسی

از مؤلفه‌های مهم سیاست رضوی در چارچوب حکمرانی اسلامی اخلاق‌گرایی است که در تمام مراحل سعی در رعایت آن شده است. گذشته از آن سیاست ورزی به دور از تشریفات، دروغ‌گویی، منفعت‌طلبی و قدرت‌خواهی را به همگان نشان داده و به آنان آموختند که بدون توسل به دروغ و محوریت دادن منافع شخصی و قدرت می‌توان پا به میدان سیاست گذاشت و با رعایت اخلاق به کنش سیاسی پرداخت (افتخاری، ۱۳۹۲: ۲۲). از موضوعاتی که در کنش سیاسی امام رضا (ع) جلوه بارزی دارد، امر به معروف و نهی از منکر است. امام رضا (ع) همان‌طور که اشاره شد، همواره سعی داشتند بسیاری از انحراف‌ها و اشکال‌ها را بدون هیچ ملاحظه‌ای بیان کنند (مقدس اردبیلی، ۱۳۸۱ ق، ج ۳: ۱۰۹). از نظر امام رضا (ع) حکومت زور و زر دنیا نیست، بلکه مسئولیتی الهی است که مبنایش حفظ اسلام، عدالت، فساد ستیزی، آزادی و کرامت انسان‌ها است تا جامعه اسلامی به سرمنزل اصلی برسد. در راستای اجرای این عناصر مورد اشاره کلیدی‌ترین رکن در اندیشه سیاسی امام رضا (ع) امامت و ولایت است. امامت کمال دین است و رشد همه‌جانبه و تعالی بشریت در گرو توجه و پیروی از امامت است (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۴۳۳). امام معصوم در عین این که زعامت دینی و دنیوی مردم را به عهده دارد، از همه حیث شایسته‌ترین فرد برای تصدی حکومت است و زمینه را برای هدایت صحیح امور و تعالی بخشی به عرصه دنیوی و اخروی فراهم می‌کند. اما چنان که چنین حکومتی شکل نگرفت و حکومت جور و ظلم شکل گرفت و منشأ انواع فسادها بود، آیا وظیفه مردم در برابر آن رفتار انفعالی است یا اینکه آنها نقشی فعالانه دارند و مردم باید در برابر آن باید بپای خیزند؟ باید گفت نفی ظلم و ظالم از اصول مسلم و قطعی اهل بیت است و ایشان به دلیل پیروی از امر الهی (بر ظالمان تکیه نمایند که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد (هود/۱۱۳)) بر ظلم نه اعتماد کردند و نه آنان را یاری نمودند و از آنجایی که در ولایت ظالم احیای باطل و از میان رفتن حق به‌طور کلی وجود دارد، بنابراین شیعیان را نیز از همکاری بر حذر می‌داشتند و حتی از کمک به ظالم در ساختن مسجد ممانعت می‌فرمودند (حیدر، ۱۴۰۳: ۳۷۴). بنابراین در تفکر سیاسی ائمه بر نفی ظالم و حکومت جور و فساد بسیار تأکید شده است و جهت مبارزه با فساد دوجنبه ایجابی و سلبی دارد. جنبه ایجابی در حقیقت

رفتن به سمت تشکیل شایسته‌ترین و عادل‌ترین حکومت است. در جنبه سلبی انتقاد و نظارت بر حکومت و مبارزه بر علیه حکومت جور و ظلم است.

اجتماعی

نگاه کرامت‌محور امام رضا (ع) باعث شده است تا آن حضرت مانند اجداد طاهرینش ساختارها و ارزش‌های کاذب اجتماعی را کنار بگذارد و تمام طبقاتی را که انسان‌ها بر اساس ثروت، جایگاه اجتماعی، نژاد و رنگ پوست ساخته بودند به یکباره فرو بریزد و ارتباط کرامت‌محور را جایگزین تمام آن رابطه‌های قدرت‌محور و فسادآمیز نماید، نشستن با فقرا برایش افتخار بود و هرگز سفره خود را از سفره غلامان جدا نمی‌کرد، عبدالله بن صلت می‌گوید مردی از اهالی بلخ که در سفر مرو به همراه امام رضا (ع) بود به حضرت اعتراض نمود و از حضرت خواست تا سفره‌ای جدای از غلامان برای خود پهن کند، این سخنان که با منش کریمانه آن حضرت مغایرت داشت برایشان گران آمد و باعث شد تا آن حضرت با لحنی تند از آن مرد بخواهند که ساکت شود (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۸: ۲۳۰). از نظر امام رضا (ع) در نظام حکمرانی اسلامی انسان به‌عنوان مخلوقی از مخلوقات خدا ارج می‌نهد و این بینش خود را محور تعاملات اجتماعی قرار داده است تلاش می‌کند تا حق هیچ‌کس حتی کسی که از منظر امام گمراه است ضایع نشود (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۸۴). امام همچنین مأمون را به برقراری عدالت و رفع فقر و محرومیت دعوت می‌کند و تأکید دارند این مایه خشنودی و خوشحالی یک حاکم اسلامی است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق؛ ج ۴۹: ۱۶۵). ایشان همچنین یادآوری می‌کند که هر فردی از کارگزار با مردمان تحت قلمرو خویش برادر هستند و از این منظر باید با آنان به برابری و برادری رفتار کند و در هر چیزی که برابری در آن رواست (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۱۲). با این نگاه اجتماعی و تساوی در منزلت بدون توجه به جایگاه طبقاتی و قومی زمینه برای بروز رفتارهای منفعت‌طلبی و فساد وجود ندارد. یکی از مؤلفه‌های مهم اجتماعی در دین اسلام که امام رضا (ع) هم بر آن تأکید دارد و در سلامت نظام اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار است، امر به معروف و نهی از منکر است. چنان‌که ایشان در این باره می‌فرماید: حتماً امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه اشرار تان بر شما مسلط و حاکم

می شوند، آنگاه خوبانان هم دعا می کنند، اما دعایشان مستجاب نمی شود (وسائل الشیعه، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ۳۹۴).

در عرصه فردی و ارتباطات اجتماعی امام رضا (ع) بر اصولی تأکید دارد که جامعه در مسیر سلامت و انسجام اجتماعی قرار دارد. از موارد اصلی که در حوزه فردی دارای نمودی اجتماعی است می توان به تقوا اشاره کرد، چرا که شخص غیر مطیع امر خدا طبیعتاً در برابر مردم نیز کرنش نخواهد کرد. کسی که حاضر نیست در برابر نعمات الهی شکرگزاری کند چگونه می تواند با مردم سازگاری یابد و به آنان احترام بگذارد و حقوق آنها را حفظ کند (حسینی فر، ۱۳۹۵: ۱۰۸). از بارزترین شاخص های سیره عملی آن حضرت شب زنده داری و عبادت ایشان است که اکثر شب ها را تا سحر بیدار بوده و بسیار روزه می گرفتند (قیومی، ۱۳۸۷: ۱۰۹). عبادت و خشوع در برابر خداوند متعال خود به تحکیم و برادری اجتماعی منجر می شود. یکی از مبانی که در اندیشه و سیره امام رضا (ع) جلوه گر است و موجب تقویت سرمایه اجتماعی در بین مردم می شود محبت است که از طریق گفتگو و نزدیکی ایشان با اقشار مختلف آشکار می شود و سعی می کنند که این مقوله را در بین مردم هم پیوراند. امام معصوم همواره بر این مؤلفه تأکید زیادی دارند که دوستی و دشمنی جز در راه خداوند نباشد (امام جمعه زاده و همکاران، ۲۰۹: ۱۳۹۵). از مفاهیمی که در قالب ارتباط مردم با مردم و در تعاملات آنها با هم در سیره رضوی نمود پیدا می کند، مفهوم احسان و نیکوکاری است. احسان مردم به یکدیگر به وجود آورنده جامعه ای همبسته و همگن می شود که به سرعت در مسیر پیشرفت و سعادت گام برمی دارد. البته از نظر امام رضا (ع) بنیان چنین جامعه ای برمدار معنویت است. این معنویت خود زمینه را برای تقویت و توسعه شهادت، اطمینان و آرامش روانی، عفت و پاکدامنی، شرافت، برپایی جامعه ای سالم انسانی و در نهایت خوش بختی و تعالی همگان می شود (صحیفه الرضا، ۱۴۰۶ ق: ۸۵).

اما ابتدایی ترین نکته ای که ایشان در ارتباط با یکدیگر تأکید دارند که رعایت شود راست گویی است از آنجایی که می تواند سرچشمه ای برای ایجاد اعتماد شود، چنان که ایشان آن را در کنار نقوی و ورع بیان می فرمایند (فقه الرضا، ۱۴۰۶ ق: ۳۵۶). امام رضا (ع) همچنین بر امانتداری در کنار راستگویی تأکید دارند و در نامه شریف به عبدالعظیم می فرمایند دوستانم را به امانتداری امر کن؟ امام رضا (ع) در تعامل مردم با یکدیگر سنجیدگی و خویشنداری از موارد ضروری بر

می‌شمرند (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۱۸). از موارد دیگری که امام مورد توجه قرار می‌دهد احسان است. امام رضا (ع) خطاب به عبدالعظیم حسنی می‌فرمایند؛ به دوستانم سلام برسان و به آنان امر کن توجه به یکدیگر را، که این امر باعث نزدیک شدن به من است. احسان به هم‌نوعان صرفاً در مسائل مالی خلاصه نمی‌شود بلکه هرگونه کمک‌های فکری، معنوی، عاطفی، علمی را هم در برمی‌گیرد. البته در کنار این موارد که به‌نوعی تحکیم همبستگی آنها می‌شود عفو و بخشش است (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۸۱).

بنابراین در حکمرانی اسلامی و در سیره امام رضا (ع) از جنبه اجتماعی برای مقابله با فساد به برخی سیاست‌ها در حوزه عدالت‌توزیعی و کرامت‌انسانی و برخی اصول هم در حوزه فردی و ارتباطات اجتماعی توجه می‌شود، به‌نوعی مبارزه با فساد جنبه‌ای سراسری و همگانی دارد.

اداری

امامت، مدیریت کلان جامعه و مایه نظام مسلمانان و استحکام دین است. امام رضا (ع) می‌فرمایند: این امام است که باعث می‌شود مسلمانان از همه گسسته نشوند و دین اصیل برجای بماند (کلینی، ج ۱: ۱۹۸). در نظام حکمرانی اسلامی همه امور به ولی خدا ختم شود؛ زیرا اگر این ارتباط قطع شود، تمام تصمیم‌های مدیر، مشروعیت خود را از دست می‌دهد و ممکن است به فساد منجر شود.

امام رضا (ع) در توجه به نیروی انسانی همت می‌گماشت و به ریزترین مسائل اخلاقی در برخورد با آنان توجه داشت. در مقابل همه انسان‌ها، ادب را در بالاترین حد رعایت می‌کردند. ابراهیم بن عباس در بیانی از سیره عملی امام رضا (ع) چنین می‌گوید: (او) حتی دربانان و مهتران را بسیار احسان می‌کرد و صدقات فراوان می‌داد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۸۴). امام با تذکراتی به مأمون وی را به رفتار تبعیض آمیزش و ظلمی که به مؤمنان در حکومتش روا می‌شد، توجه می‌داد. امام رضا (ع) در ملاقات مأمون با وی، بعد از آنکه مأمون بر فتوحات جدید خود در کابل افتخار می‌کند، موضع می‌گیرد و می‌خواهد بگوید سازمان‌دهی ناشیانه تو که برخاسته از مدیریت غاصبانه تو است، باعث شده گروهی در امت اسلامی فراموش شوند و تو هنوز در فکر کشورگشایی هستی. امام (ع) در این بیان می‌فرماید: درباره امت محمد و فرمانروایی که برایشان داری از خدا

بترس، زیرا کارهای آنان را تباه کرده‌ای و کار را به دست کسانی سپرده‌ای که به غیر خداوند بلند مرتبه داوری می‌کنند و خود در این سرزمین ماندگار شده... بر مهاجر و انصار با نبود تو ستم می‌رود. روزگار بر مظلومان به سختی می‌گذرد و آنان برای زندگی به هزینه‌ای دسترسی ندارند و کسی را نمی‌یابند که نزد او از اوضاعی که دارند، شکایت کنند (عطاردی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۸۵). بر اساس این شرایط امام رضا (ع) می‌فرماید: پنج خصلت باید در مدیران موجود در نظام اسلامی باشد: اگر پنج چیز در کسی نبود؛ در امور دنیا و آخرت از او انتظار کار نیک نداشته باش که آن‌ها عبارت‌اند از؛ اصالت خانوادگی، اخلاق نیکو، پایداری در خلق و خوی، بزرگواری روح و کرامت نفس و پرهیز از پروردگارش. مدیری که از این خصال بهره‌ای ندارد نه تنها در کارهای خود موفق نخواهد بود و مردم به خیرش امیدی ندارند بلکه برای اقشار جامعه کارشکنی به وجود می‌آورد و به فردی دردسرساز و مشکل‌آفرین تبدیل می‌شود و سطح نارضایتی‌های عمومی را افزایش می‌دهد. دست‌اندازی به منصب مدیریت به‌عنوان ریاست و نه برای خدمت است که انحطاط و هلاکت هرچه بیشتر را رقم می‌زند (روزنامه کیمیای وطن، ۱۲ مرداد ۱۳۹۶: ۸). امام رضا (ع) در انتخاب مدیران برای اداره درست امور بر چند نکته کلی توجه دارند؛ ۱- دانش ۲- مهارت ۳- خودمفهومی (وجدانکاری، امانتداری، عدالت، سلامت نفس) ۴- ویژگی‌های رفتاری (تواضع، وظیفه‌شناسی، فضایل اخلاقی، ساده زیستی)، ۵- انگیزه (قرب الهی) (شاه علی و دوالی، ۱۳۹۶: ۲۴۸-۲۲۴). امام رضا (ع) همچنین بیشتر کارگزاران را به اتحاد و هماهنگی در خدمت به مردم توصیه می‌کند و ناهماهنگی و افتراق آنان را از این هدف دور خواهد کرد (صحیفه الامام الرضا، ۱۴۰۷ ق: ۳۹۴). از نظر امام رضا (ع) حکومتی که بین اجزاء و ارکان آن ناهماهنگی و عدم افتراق باشد، در رسیدن به اهداف و تدبیر حکومت عاجز می‌ماند و این به فروپاشی و سستی پایه‌های حکومت منجر می‌شود. بنابراین امام رضا (ع) از جنبه مدیریتی هم به مقوله فساد نگاه دقیق و هم جنبه‌ای دارند. چنانکه به مدیران و نیروی انسانی شایسته، ساختار متوازن و هماهنگ، خدمت‌دهی عادلانه و تسریع و شفافیت فرآیندهای دیوان‌سالاری توجه دارند.

اقتصادی

در سیره اقتصادی امام رضا (ع) ویژگی‌های برجسته‌ای همچون دستگیری از فقرا، خدمت به مردم، مساوات، تعاون و مددکاری، ظلم و استثمارستیزی، برخورد با اشرافی‌گری و تکاثرگرایی وجود دارد که کلید حل بسیاری از مشکلات اقتصادی به شمار می‌روند (کلینی، اصول الکافی، ج ۴: ۱۱). در حکمرانی مطلوب امام رضا (ع) مبارزه با فقر در حوزه اقتصادی موضوع مهمی است که به آن پرداخته می‌شود و از نظر ایشان مواردی همچون ظلم، تباه کردن اموال و به تعبیری اسراف، سپردن مدیریت امور جامعه به ناواردان، حاکم شدن معیارهای منکر به جای معروف، از عوامل فقر شمرده می‌شوند و ریشه‌کنی فقر در گرو مبارزه با این عوامل است (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۹۲؛ کلینی، همان، ج ۵: ۳۰۱). امام رضا (ع) نقش حکومت و به‌خصوص سپردن امور به دست افراد نالایق در رشد فقر و فساد برجسته می‌داند و بشدت از آن بیزار است (ابن بابویه، همان: ۱۲۶). امام رضا (ع) در لابلای سخنان و گفتگوهای خویش بسیاری از مسائل اقتصادی که موجب رفاه و رفع فساد می‌شود، بیان کردند که به‌نوعی هم مردم و هم حکومت دارای نقش هستند، به‌طوری که درباره زکات، ربا، چگونگی دادوستد، تبیین الگوی مصرف و بر حذر بودن از اسراف، روزی حلال، دوری از خیانت، پرداخت به‌موقع حقوق دیگران، التزام به تعهد انسانی در برابر مردم و... سخن گفته و آنها را اصول دین شمرده و نیز به صبر و استقامت، مخالفت با هوای نفس و شهوت، عبرت‌آموزی و... سفارش کردند (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۴۰۱). بنابراین امام رضا (ع) در حوزه اقتصادی در ارتباط با مبارزه با فساد علاوه بر تأکید بر عدالت و ایجاد رفاه، به توزیع ثروت، زکات، قناعت و دوری از اسراف توجه دارند.

نتیجه‌گیری

یکی از بنیان‌های اصلی در حوزه سیاست‌گذاری میزان نقش دولت و جامعه است. با توجه به تحولات اجتماعی عمده و نیز تغییرات در عرصه جهانی به توازن و تعادل در نقش‌آفرینی این دو بخش تأکید شده است. براین اساس مقوله حکمرانی مطلوب و حکمرانی خوب مطرح شده است. در نظام حکمرانی مطلوب دو بخش سازمان‌دهی شده است: ۱- بخش اجتماعی که در حقیقت نشان‌دهنده مشارکت یا عبارت صحیح‌تر آن شراکت نیروهای اجتماعی در عرصه سیاست‌گذاری

و راهبری امور از طریق شبکه‌های اجتماعی و بخش غیردولتی در کنار دولت است ۲- بخش دولت یا نظام سیاسی که دارای ویژگی‌هایی است که ماهیت راهبردی و هدایت‌کنندگی دولت را می‌رساند. کنار قرار گرفتن این دو بخش در کنار هم موجب تحول و پیشرفت جامعه می‌شود. کنترل فساد با اینکه یکی از ویژگی‌های حکمرانی مطلوب است، اما با توجه به تأثیراتی که حکمرانی مطلوب در بخش‌های مختلف دارد، بر مقوله مبارزه و کنترل فساد تأثیر عمده‌ای دارد. باید گفت در نظام اسلامی نوعی حکمرانی مطلوب پیش‌بینی شده است که با حکومت‌های پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) عملیاتی شده است. در نظام حکمرانی مطلوب اسلامی حکومت ماهیتی سعادت‌گرا و هدایت‌کننده به مسیر اصلی دارد و دارای نظامات خاص در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اداری است که بر کنترل فساد تأثیرگذار می‌باشد. بر این اساس مبنای کنترل فساد در اندیشه و سیره امام رضا (ع)، مبارزه با انحرافات و عقاید باطل، عدالت اجتماعی، رفاه همگانی، امر به معروف و نهی از منکر، حق امام معصوم در منصب حکومت و مبارزه علیه حکومت جور و ظلم و هماهنگی بین ساختارهای اداری و شایسته‌گزینی قرار دارد.

بر این اساس می‌توان گفت امام رضا (ع) در مبارزه با فساد دیدی سیستمی و همه‌جانبه دارند و شرط اصلی برای سلامت در مدیریت امور عمومی توازن و همکاری و کارکرد صحیح بین بخش‌های مختلف اجتماعی با تکیه بر مبانی و اصول حقیقی می‌داند. آن امام بزرگوار در این راستا به گفتگو و مناظره با تمام بخش‌های اجتماعی برای تبیین اصول دقیق و حقیقی اسلام می‌پردازند. به نوعی ایشان منشأ فساد را در رسوخ عقاید باطل و انحرافات می‌دیدند که در دوره خلافت عباسیان به جامعه اسلامی رسوخ کرده است و تمام بخش‌ها را در خود نوردیده است و آنها را از کارکرد صحیح که در قالب حکمرانی اسلامی قابل تحقق است به دور می‌کند. بنابراین امام رضا (ع) در صدد است تا در سطح جامعه به ارائه دقتی از مبنا و ماهیت، اجزا و همچنین حکمرانی مطلوب اسلامی بپردازند. البته این حکمرانی که دارای بنیانی توحیدی است با زعامت امام معصوم قابل تحقق است. امام معصوم با ویژگی‌ها و انجام دقیق وظایف زمینه را برای تحقق حکمرانی مطلوب اسلامی و از بین بردن فساد فراهم می‌کند.

فهرست منابع

- ابن اثیر (۱۳۸۵). الکامل فی التاریخ. جلد ششم، بیروت، دارصادر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ ق). من لایحضره الفقیه، بیروت موسسه الاعلمی المطبوعات.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ ق). الامالی. تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ ق). عیون اخبار الرضا، ج ۱ و ۲: تهران: نشر جهان.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۰). الطرائف فی معرفه المذاهب. قم. مطبعه الخيام.
- احمدی فر، مصطفی و همکاران (۱۳۹۶). شاخص‌های اخلاق محوری در آموزه‌های سیاسی امام رضا (ع). فصلنامه فرهنگ رضوی. سال ۵. ش ۱۸. صص ۱۸۰-۲۱۵.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲). «مفهوم سیاست در مکتب رضوی». فصلنامه فرهنگ رضوی. س ۱. ش ۳: صص ۷-۲۶.
- افضلی، رسول (۱۳۸۲). رویکردی جامعه‌شناختی به تحول دولت در دنیای اسلام. فصلنامه سیاست دوره ۲۱. ش ۳. پاییز؛ صص ۵۱-۱۵۲.
- امام جمعه زاده، سید جواد و اوغلی، محمود (۱۳۹۳). «واکاوی مواضع سیاسی امام رضا (ع) در بحران‌های اعتقادی - سیاسی دوره (۲۰۰۳-۱۸۳ ق)». فصلنامه فرهنگی رضوی. س ۲. ش ۵: صص ۷-۳۰.
- امام خمینی (ره) (۱۳۸۴)، حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی (ره) (۱۳۸۰). ولایت فقیه. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام علی (ع). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی، موسسه فرهنگی تحقیقی امیرالمؤمنین.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۷)، امر به معروف و نهی از منکر به مثابه یک رفتار سیاسی، مجموعه مقالات امر به معروف منهی از منکر، تهران: پیام آزادی.
- پالمر، ریچارد (۱۳۷۷). علم هرمنوتیک. ترجمه محمدسعید حنائی کاشانی. تهران: هرمس.
- تانزی، ویتو (۱۳۷۸). مساله فساد. فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد. ترجمه بهمن آقایی. ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۹ و ۱۵۰. بهمن و اسفند ۷۸.
- جاجرمی زاده، محسن (۱۴۰۰). شناسایی الگوی فرهنگ جهادی در نظام اداری ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت فرهنگ سازمانی. دوره ۱۹، سال سوم، شماره ۳: صص ۹۷-۱۲۲.
- حاتمی، محمدرضا و بیگی. محمدرضا، رفیعان، سجاد (۱۳۹۸). «مهم‌ترین مؤلفه‌های حکومت مطلوب در اندیشه و کنش سیاسی امام رضا (ع)». فصلنامه فرهنگ رضوی. س ۷، ش ۲۶: صص ۱۹۱-۲۱۸.
- حرعاملی (۱۴۱۴ ق)، وسائل الشیعه، ۳۰ جلدی، آل بیت.
- حسینی فر، مریم (۱۳۹۵). مبانی اندیشه و رفتار سیاسی امام رضا علیه‌السلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.

نشریه دولت پژوهی در جمهوری اسلامی ایران

- حیدر، اسد (۱۴۰۳). الامام صادق و المذاهب الاربعه. بیروت: منشورات دارالکتب العربی.
- خرمشاد، محمد باقر (۱۳۹۶). امریه معروف، نهی از منکر و توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. ش ۶، ص ۳۲. صص ۳۱-۵۸.
- خضری، احمد رضا (۱۳۹۳). نقش فساد اداری و رقابت‌های خاندانی در تجزیه خلافت عباسی. نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز. س ۸، ش ۱۵۶؛ صص ۷۵-۹۲.
- درخشه، جلال و حسینی فائق، سید مهدی (۱۳۹۱). سیاست و حکومت در سیره امام رضا (ع). چاپ اول، تهران: بنیاد فرهنگی و هنری امام رضا (ع).
- درخشه، جلال و حسینی فائق، سید مهدی (۱۳۹۲). سیره سیاسی امام رضا (ع) در برخورد با حکومت جور (مطالعه مورد ولایت‌مهدی). فصلنامه فرهنگ رضوی. س ۱، ش ۱؛ صص ۷-۳۱.
- درخشه، جلال و حسینی فائق، سید مهدی (۱۳۹۴). مؤلفه‌های سیاست‌ورزی در سیره امام رضا (ع). فصلنامه فرهنگ رضوی. س ۳، ش ۱۲؛ صص ۳۴-۷.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۷). دولت آفتاب. ج ۱. چاپ اول. تهران: خانه اندیشمندان جوان.
- رفاعی، احمد فرید (۱۳۴۶ ق). عصر المأمون. مصر: دارالکتب المصریه.
- سلطانی نژاد، احمد (۱۳۹۶). «فناوری اطلاعات و تحول در مفهوم حکمرانی خوب». فصلنامه سیاست، س ۴۷، صص ۷۹-۹۷.
- سلطانی، محمد رضا و همکاران (۱۳۹۳). فرهنگ سازمانی "کرامت انسانی" تاملی بر فرهنگ نظام اداری ج. ۱. ۱. فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی. س ۳، ش ۳؛ صص ۱۱۳-۱۴۰.
- شاه‌علی، احمد رضا و دوالی، محمد مهدی (۱۳۹۴). خصوصیات مدیران شایسته در سیره رضوی. فصلنامه فرهنگ رضوی. س ۵، ش ۲۰؛ صص ۲۲۴-۲۵۴.
- شریف قرشی، باقر (۱۳۷۱). تحلیلی از زندگی امام هادی (ع). گنگره جهانی حضرت امام رضا (ع).
- شقایق شهری، وحید (۱۳۹۰). حکمرانی خوب، فساد و رشد اقتصادی (رویکردی اقتصادی به مقوله حکمرانی خوب). فصلنامه بررسی‌های بازرگانی. س ۷، ش ۴۸؛ صص ۶۹-۸۱.
- صحیفه الرضا، (۱۴۰۶ ق). مشهد. ناشر: گنگره جهانی امام رضا علیه السلام.
- طبرسی، احمد بن علی (ق ۱۴۰۳). الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱. مشهد: نشر مرتضی.
- طبری، جریر (۱۳۶۳). تاریخ طبری. مترجم ابوالقاسم پاینده. انتشارات اساطیر.
- عجم اوغلو، دارون و جیمز رابینسون (۱۳۹۲). چرا اکشورها شکست می‌خورند؟ سرچشمه‌های قدرت، فقر و غنای کشورها. ترجمه پویا جبل عاملی و محمد رضا فرهادی. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- عطاردی، عزیزالله (۱۴۱۳). مسند الامام الرضا (ع). بیروت. دارالصفوة.
- علی حسینی، علی (۱۳۸۵). نبوت؛ شریعت و قانون، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم سیاسی. س ۵، ش ۳۵؛ صص ۷۶-۵۳.

- عوفی، وحید (۱۳۸۸). تبیین شاخص‌های فرهنگی عصر ظهور با نگاه مدیریتی. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- فاضلی، محمد و جلیلی کناری (۱۳۹۱). تعیین سطح فساد: بررسی تطبیقی اثر حاکمیت و و حکمرانی خوب. فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی. س ۲. ش ۵: صص ۷-۴۰.
- فرمی‌پنی فراهانی، محمدرضا و یآوری، محمد جواد (۱۳۹۳). اندیشه و سیره سیاسی امام رضا (ع). فصلنامه معرفت. س ۲۳. ش ۱۹۶؛ صص ۶۳-۸۲.
- فقه الرضا (۱۴۰۶ ق). منسوب به امام رضا علی بن موسی. مشهد: موسسه آل بیت علیهم السلام.
- فیرحی، داود (۱۳۸۱). نظام سیاسی و دولت در اسلام. انتشارات سمت.
- قلی پور، رحمت الله (۱۳۸۴). تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری. فصلنامه فرهنگ مدیریت، س ۳، ش ۱۰؛ صص ۱۰۳-۱۲۷.
- قیومی اصفهانی، جواد (۱۳۸۷). صحیفه الرضا. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۱). اصول الکافی. مترجم: سید جواد مصطفوی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
- محمدی، محمدعلی (۱۴۰۰). مبارزه با سلاطین فساد در نگاه قرآن. روزنامه کیهان، پنجشنبه ۶ خرداد، شماره ۲۲۷۵۷.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). سیری در نهج البلاغه، تهران: انتشارات صدرا.
- مقیبی، محمد و اعلائی اردکانی، مصطفی (۱۳۹۰). سنجش شاخص‌های حکمرانی خوب و نقش دولت الکترونیک در ارتقای آن. فصلنامه مدیریت فناوری اطلاعات. س ۳، ش ۸.
- نقیه، محمدرضا (۱۳۹۱). «سیاست اخلاقی در سیره امام رضا (ع)». فصلنامه اخلاق. س ۵، ش ۶: صص ۶۷-۸۱.
- هانتیگتون، ساموئل (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علم.
- Arndt Christiane and Oman Charles (2008). The Politics of Governance Ratings. Maastricht University Maastricht Graduate School of Governance.
- Azeez, Ademola (2012), "Endangering good governance for sustainable democracy: the continuing Struggle against corruption in Nigeria". Journal of Research in, gender and Development. December (307-314).
- Borzil.tanga (2008), Good Governance in the Eropean Union. Berlin.
- Elsenhans, H. (2001), The Political Economy of Good Governance. Journal of Perspectives on Global Development and Technology, Number 2, pp 33-56 (24).
- Elsenhans.h. (2001). "The Political Economy of Good Governance". Journal of Perspective on Global Development and technology. Number (2) 56-33.
- Elsenhans.h. (2001). "The Political Economy of Good Governance". Journal of Perspective on Global Development and technology. Number (2) 56-33.
- Guga, Ayuba (2015). Good Governance, A key Drive to Sustainable Development in Nigeria. International Journal of Eduction and Resarch.

- Kaufmann, Danial (2010). The World wide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues, The World Bank Development Research Group Macro economics and Growth Team September.
- Sapru, R.K. (2006), Administration Theories & Management Thought. Published by Prentice hall of India.
- Skinner, Quentin (1981), Machiavelli: A very short Introduction, New York: Oxford University Press.
- UN-HABITAT (2012). "Global Campaign on Urban Governance: Concept Paper Access in: www.unhabitat.com.
- Webster, Merriam (2008). Merriam-Webster's Collegiate Dictionary, Inc.; 11th edition.

